

شیوه‌های مقابله با جنگ روانی در سیره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)

حسین خاکپور* ولی‌الله حسومی** محبوبه خزاعی***

چکیده

یکی از روش‌های تسلط بر افکار و اندیشه‌ی مردم، جنگ روانی است که تأثیر آن به مراتب از جنگ‌های نظامی بیشتر است و از کارآمدترین و پویاترین نوع نبرد به شمار می‌رود. در طول تاریخ همواره این تکنیک میان جبهه‌های مختلف حق و باطل استفاده شده است. در تاریخ اسلام نیز نمونه‌های متعددی می‌توان یافت؛ از جمله اینکه پس از رحلت پیامبر (ﷺ) هجده‌گانه‌ی روانی و تبلیغاتی بسیاری در مدینه شکل گرفت و رهبران جبهه‌ی مخالف از این شیوه‌ی جنگی استفاده‌ی وسیع و پیچیده کردند و در مقابل حضرت زهرا (علیها السلام) مبتکر بهترین تکنیک‌های ضد جنگ روانی عصر خود بودند که با در نظر گرفتن دو بعد منطق و احساس از ابزارهای گوناگون برای روشن کردن اذهان و ایجاد بصیرت مردم بهره بردند. در این مقاله سعی شده به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد روایی-تاریخی، استراتژی جنگ روانی حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان آغازگر دفاع از ولایت در مواجهه با جنگ نرم مخالفان حریم ولایت بازشناسی شود و این نتیجه حاصل آمده است که حضرت شیوه‌های ضد جنگ مثل روشنگری، افشاگری، تحریک عواطف، تشجیع و... را به کار گرفتند و لحظه‌ای در دفاع از امامت فرو نگذاشتند. از این رو تحلیل سیره‌ی حضرت در برخورد با جنگ روانی و تبلیغاتی معاندان می‌تواند الگویی عملی برای استفاده و به‌کارگیری در عصر حاضر باشد.

واژگان کلیدی

جنگ روانی، تکنیک، استراتژی، حضرت زهرا (علیها السلام)، سیره‌ی سیاسی.

*- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان (dr.khakpour@theo.usb.ac)
**- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان (dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir)
***- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده‌ی مسئول) (khazae931@gmail.com)
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۰

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل مهم و کارآمد در جهان معاصر - به ویژه در کشورهای اسلامی - جنگ نرم دشمنان علیه ارزش‌ها و باورهای این جوامع است. این نبرد به معنای هرگونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی است که با تسلط بر افکار و اعتمادسازی، سعی در ایجاد ناامنی، شایعه، تخریب چهره‌های ارزشی، تفرقه و مخدوش کردن فرهنگ و اندیشه‌ی مردم جوامع هدف دارد و وقوع آن در هر زمان و دوره‌ای ممکن است. در جامعه‌ی اسلامی، از جمله دوره‌هایی که جنگ روانی و فرهنگی ایجاد شد، پس از رحلت پیامبر (ﷺ) و کنار زدن وصی ایشان از رهبری جامعه‌ی اسلامی بوده است.

بررسی تاریخی نشان می‌دهد، پس از درگذشت رسول خدا (ﷺ) در مسئله‌ی خلافت و جانشینی آن حضرت در میان مسلمانان اختلاف شدیدی به وجود آمد به گونه‌ای که از نظر تاریخی سرمنشأ و زمینه‌ی اصلی اختلاف و پراکندگی مسلمانان و ظهور و پیدایش دیدگاه‌های مختلف در جامعه‌ی اسلامی شد. در چنین شرایطی حضرت زهرا (علیها السلام) اهداف و آرمان‌های اصیل دینی را با استناد به قرآن و سنت رسول خدا (ﷺ) در قالب موضع‌گیری سیاسی خود بیان می‌کردند. ایشان در برابر جریان‌هایی که بعد از رحلت رسول مکرّم اسلام (ﷺ) به وجود آمد، ساکت ننشستند و مبارزه‌ی سیاسی کردند و با سخنرانی‌های افشاگرانه و برخوردها و اقدامات سیاسی، بهترین و مؤثرترین موضع‌گیری‌های انقلابی را در قبال دشمنانشان انجام دادند.

گرچه دوران حیات حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از ارتحال پیامبر اکرم (ﷺ) بسیار کوتاه بود، اما جنگ روانی دشمنان حضرت، تبعات سنگین قدرت‌خواهی، فتنه‌انگیزی، حق‌کشی و القاء خطوط فکری خاص در جامعه را به همراه داشت. از این رو خط‌مشی سیاسی آن حضرت در طول حیات نشان می‌دهد که گفتمان‌های حضرت از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزاتی ایشان در مقابله با دشمنانشان بوده است و حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان آغازگر دفاع از ولایت با طرح گفتمان‌ها و عملکردهای سیاسی از حضرت علی (علیه السلام) حمایت کردند.

بنابراین بررسی سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) در راستای حفظ ارزش‌های اصیل اسلامی از مواردی است که علاوه بر هدایت و نجات انسان‌ها، نقش تأمل برانگیزی در حفظ آرمان‌های جامعه‌ی مسلمین ایفاء می‌کند، زیرا معصومین همواره در طول حیات خویش حضور در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی را مسئولیتی مهم می‌دانستند.

در این مقاله سعی شده است، ضمن ارائه‌ی مختصری از جنگ روانی در عصر حضرت زهرا (علیها السلام) شیوه‌های ضد جنگ روانی حضرت زهرا (علیها السلام) در مقابله با دشمنانشان تبیین شود.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون مقاله‌ای مستقل در موضوع استراتژی حضرت زهرا (علیها السلام) در جنگ نرم زمانه‌شان نوشته نشده است، اما پژوهشی با همین رویکرد به نام «استراتژی جنگ روانی از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام)» به قلم فضل‌الله یزدانی (۱۳۸۱) نوشته شده است. نگارنده در این مقاله سعی کرده است، استراتژی مقابله با جنگ روانی را در سیره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) به صورت وسیع‌تر و میسوط‌تر اشاره کند و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. جنگ روانی در عصر حضرت زهرا (علیها السلام) چگونه بوده است؟
 ۲. حضرت زهرا (علیها السلام) در مقابله با جنگ نرم عصر خویش چه اقداماتی را انجام دادند؟
- بی‌شک تحقیق و پژوهش درباره‌ی سیره‌ی سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان میراث ارزشمند ضروری است و شناخت سیره‌ی ایشان در چگونگی رفتار ایشان در زمان حاضر و برای نسل‌های آینده مؤثر و پرکاربرد است.

۱. جنگ روانی در عصر حضرت زهرا (علیها السلام)

یکی از دوره‌هایی که حضرت زهرا (علیها السلام) از دانش و مدیریت و سیاست خود برای پیشبرد اهدافشان استفاده کردند، بعد از رحلت پدر بزرگوارشان بود. ایشان پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و غصب خلافت آن حضرت، با بصیرت سیاسی و توانمندی‌های خود با گروه‌های انحرافی مقابله کردند. حضور سیاسی و اجتماعی حضرت زهرا (علیها السلام) پس از رحلت پدرشان افزایش یافته بود و حضرت از مهم‌ترین اصل اسلامی یعنی ولایت که در قرآن با عنوان اکمال نعمت یاد شده به دفاع برخاستند. اصلی که سعادت و هدایت بشریت در گرو آن است، ولی متأسفانه نادیده گرفته شده است. در آن زمان، حساسیت‌هایی که قریش نسبت به حضرت علی (علیه السلام) داشتند، نسبت به حضرت فاطمه (علیها السلام) نداشتند؛ لذا شرایط به گونه‌ای بود که در میان اهل بیت (علیهم السلام) هیچ کس به اندازه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) در مبارزه با انحرافات پدید آمده پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) توفیق نداشت. از این رو ایشان در هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حماسه‌ی سیاسی خود را انجام داده و یک تنه وارد میدان مبارزه با خلفا و کل جامعه‌ی اسلامی مدینه شدند و عرصه را بر خلفا تنگ کرده و آنها را به اظهار ندامت و عذرخواهی واداشتند. آن حضرت در برابر انحراف مردم از امامت و جدایی از احکام قرآن انقلابی را در پیش گرفتند که تاکنون ادامه دارد و اگر تلاش مستمرانه و حماسه‌ی شکوهمند و ایستادگی ایشان در برابر انحراف مردم مدینه نبود، اکنون از اسلام اولیه در جهان خبری نبود.

زیارت ایشان از قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به بقیع رفتن و سر قبر شهدا بودن، گریه‌ها و ناله‌های حضرت همگی هم‌سو با انقلاب ایشان بوده و به همین دلیل مصائب و مشکلات حضرت از تصور

و خیال خارج است. حضرت با شناخت و درک درست از انحراف مسلمانان و پیش‌بینی آینده‌ی وخیم جامعه‌ی اسلامی به میدان آمدند و افشاگری کردند.

هر چند که حضرت بیش از ۷۵ روز پس از وفات پیامبر (ﷺ) در دنیا نبودند، اما در تمام این ایام با همه‌ی قوا در دفاع از حق پایدار بودند. از این رو، حضرت با بیان صریح و روشن‌گر خود سعی داشتند تا حقایق را به گوش مردم مدینه برسانند و با جنگ روانی دشمنان در مدینه، مقابله کنند. جنگ روانی‌ای که تبعات سنگین قدرت‌خواهی، فتنه‌انگیزی و حق‌کشی را در جامعه‌ی اسلامی بر جای گذاشته و باعث شده بود تا افراد مسلط بر جامعه الگوهایی که پیامبر (ﷺ) برای جامعه‌ی اسلامی تنظیم کرده بودند را تغییر داده و خطوط فکری مردم را متناسب با خواست خود تغییر دهند.

از این رو حضرت زهرا (علیها السلام) بر خود لازم دانستند که به مقابله با این جنگ روانی برخیزند و سطحی‌نگری‌ها و عوام‌فریبی‌های حاکم بر جامعه را برطرف کنند. ایشان در مقابله با تحولات جامعه و دفاع از خط‌مشی پیامبر (ﷺ) رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده و در ابطال جریان‌های انحرافی زمان خود و هشدار به مسلمانان درباره‌ی لزوم بازگشت به سیره‌ی نبوی اقدامات و بیاناتی داشتند. گفتمان‌های حضرت از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزاتی ایشان در مقابله با دشمنان بوده، هر چند اقدامات رفتاری ایشان نیز حائز اهمیت است؛ لذا شناخت سیره‌ی سیاسی ایشان در مواجهه با جنگ نرم در زمان فعلی مؤثر و پرکاربرد است.

۲. استراتژی جنگ روانی از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)

رسالت سنگین دفاع از ولایت و حمایت از حضرت علی (علیه السلام) باعث شد که حضرت زهرا (علیها السلام) با سخنانی شیوا و بلیغ ضمن افشاگری و روشن‌گری، روحیه و اراده‌ی دشمن را ضعیف کنند. پرداختن به شیوه‌های دفاعی حضرت زهرا (علیها السلام) نکات کاربردی فراوانی برای جامعه‌ی امروز در بردارد، بر این اساس شواهد کلامی و رفتاری حضرت زهرا (علیها السلام) در قالب روش‌ها و تاکتیک‌های عملیات ضد جنگ روانی امروزی ارائه و تحلیل می‌شود.

۲-۱. عملیات روشن‌گرانه

روشن‌گری یکی از تکنیک‌های ضد جنگ روانی است. در این تکنیک، وظیفه‌ی اساسی شناساندن حقایق و اهداف مورد نظر به مخاطبان است و تلاش می‌شود، مخاطبان با آگاهی از حقایق در برابر تهاجمات و شایعات مقاوم شوند و تلاش خود را برای مقابله با تهدیدات افزایش دهند (شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۹؛ جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۲۸). در سیره‌ی سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) از تکنیک روشن‌گری، برای نشان دادن حقایق و واقعیت‌ها استفاده شده که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱-۲. بیان نقش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه

حضرت زهرا (علیها السلام) در سخنان روشنگرانه، به نقش و جایگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) اشاره داشتند و فرمودند: «محمد و علی (علیهم السلام) پدران امت اسلام‌اند، کجی‌ها را راست و انحرافات را اصلاح می‌کنند. اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می‌دهند و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمت‌های پایدار خداوند را ارزانی‌شان دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ص ۲۵۹). تأکید حضرت زهرا (علیها السلام) نشانگر ضرورت وجود الگوهای تربیتی کامل در جامعه‌ی اسلامی است، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) پیشوایان دین هستند و افزون بر آگاهی وسیع و عمیق از آموزه‌های اسلامی، الگوهای تربیتی کاملی برای جامعه هستند و هر فردی برای پیشرفت در زندگی دنیایی و سعادت اخروی خود نیاز به الگوی جامع و کاملی دارد. از این رو با تبعیت از سیره و روش زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان به رشد و کمال دست یافت.

۱-۲. بیان فلسفه‌ی امامت

حضرت زهرا (علیها السلام)، فلسفه‌ی امامت و اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) را بیان فرمودند: «خدا اطاعت و پیروی از ما اهل بیت (علیهم السلام) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را، عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۲۲۳؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۶۱). ایشان با تأکید بر این سخن قصد داشتند تا جامعه‌ی اسلامی را به ضرورت وجود اهل بیت (علیهم السلام) در برقراری وحدت و نظم جامعه‌ی اسلامی متذکر کنند، زیرا با وجود امامت در جامعه‌ی اسلامی است که نظام اجتماعی سامان می‌گیرد و عدالت برقرار می‌شود. از این رو اهل بیت (علیهم السلام) عامل رشد اسلام و واسطه‌ی فیض خداوند و مخلوقات‌اند و به همین دلیل است که وجودشان برای بقاء و تدوام جامعه‌ی اسلامی ضروری است.

۱-۲. بیان جایگاه و ارزش معصومین

حضرت در ادامه‌ی روشنگری خود فرمودند: «ما اهل بیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) وسیله‌ی ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم و جایگاه پاکی‌ها، ما دلیل‌های روشن خداییم و وارث پیامبران» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰: ج ۲۰، ص ۹۷؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۷۴). حضرت زهرا (علیها السلام) ارزش امامان معصوم (علیهم السلام) در تدبیر امور مسلمین، ادامه دهنده‌ی تعالیم پیامبران، تنظیم امور سیاسی- اجتماعی جامعه، بیان احکام دین و هدایت مردم را یادآور شدند.

۱-۲. روشنگری و اثبات امامت

از محمودبن لبید نقل شده است که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حضرت فاطمه (علیها السلام) را در کنار قبر حضرت حمزه، عزادار و گریان مشاهده کردم و از ایشان پرسیدم که آیا برای امامت

علی (علیه السلام) از سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا (علیها السلام) پاسخ داد: «شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی (علیه السلام) امام و خلیفه‌ی بعد از من است و دو فرزندم، حسن و حسین (علیهما السلام) و نه نفر از فرزندان حسین (علیه السلام) پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بالای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد». پرسیدم، بانوی من! پس چرا علی (علیه السلام) سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت زهرا (علیها السلام) پاسخ داد: «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: مثل امام مانند کعبه است، مردم باید به سویش بروند و در اطراف آن طواف کنند. نه آنکه کعبه به سوی آنها بیاید و دور مردم طواف کند». سپس ادامه داد: «آگاه باش! قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار و از عترت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اطاعت می‌کردند، دو نفر هم درباره‌ی حکم خداوند با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امامت همان گونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی فرمود، از علی (علیه السلام) تا حضرت قائم (علیه السلام) فرزند نهم حسین (علیه السلام)، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می‌رسید. ولی افسوس کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشت. ره‌آورد بعثت را انکار کردند و به بدعت‌ها روی آوردند، آنها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و براساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. آیا نشنیدید کلام خدا را که فرمود: «پروردگار تو هر چه بخواهد بیافریند و برگزیند و برای دیگران هیچ اختیاری نیست» (قصص: ۶۸). آری شنیدند، ولی همان گونه که قرآن فرمود: «دیدهای بصیرت آنها کور و چشم دل آنها بی‌نور است» (حج: ۴۶). افسوس که سران سقیفه آرزوها و هوس‌های خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ص ۳۵۳، شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۲۸: قمی‌رازی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). حضرت مصداق اختیار الهی را تعیین امام معرفی کردند و متذکر شدند که اطاعت و پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) مانع ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه است. مردم باید در بیعت با امام و گرایش به سمت ایشان، خود اقدام کنند نه اینکه امام به سمتشان آید و خطاب به سردمداران سقیفه متذکر شدند که عاقبت بدعت، ظلم و ناحق‌ی آنها هلاکت و نابودی جامعه‌ی اسلامی است.

۲-۱-۵. بیان احادیث غدیر و منزلت

حضرت زهرا (علیها السلام) در تبیین جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جایگاه امامت به واقعه‌ی غدیر اشاره و با استناد به فرمایشات پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر که من مولا و رهبر او هستم، علی (علیه السلام) نیز مولای اوست و آیا فراموش کردید که به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی (علیه السلام) موقعیت تو نسبت به من، همانند هارون به موسای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است» و یا آنکه در پاسخ به بهانه‌جویی‌ها بیان داشتند: «اگر علی (علیه السلام) زودتر شروع می‌کرد و به مردم آگاهی می‌داد، منحرف نمی‌شدند». همچنین

فرمودند: «پس از غدیرخم، خداوند برای هیچ کس عُذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است» (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۷۳؛ المقریزی، ۱۳۷۰: ۱۰۱، امینی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۹۷). ایشان با یادآوری این دو حدیث گراندقدر، ذهن‌های خفته و انسان‌های فریب خورده را هدایت و بیدار کردند و متذکر شدند که بر امت اسلامی واجب است، حقوق این امانت‌ها را مراعات کنند، زیرا خواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده که نسبت به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) حسن معاشرت داشته و حقوق آن دو را بر خویش مقدم بدانند.

۲-۲. برانگیختن و تحریک عواطف

یکی از تاکتیک‌های ضد جنگ روانی حضرت، برانگیختن عواطف و احساسات مردم است که به شیوه‌ای گوناگون مشاهده می‌شود. در این تکنیک، سعی بر این است تا با بیان اطلاعات آگاهی‌دهنده در حالات و رفتار مخاطبان تأثیر گذاشته و باعث جذب آنها به سمت اهداف مورد نظر شود. در این روش حس همدردی، تنفر و خشم و غضب از جمله مفاهیم تعیین کننده است (شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۸؛ جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). حضرت زهرا (علیها السلام) نیز با تحریک عواطف مردم، سعی در جذب مخاطبان خود داشتند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. تحریک عواطف در لحظات احتضار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در اطراف بستر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) حلقه زده و با چشمانی اشکبار، نظاره‌گر غروب خورشید رسالت بودند. آن بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواست سخنی بفرماید، ولی نتوانست و درحالی که می‌گریست، بی‌حال در بستر افتاد. حضرت فاطمه (علیها السلام) با مشاهده‌ی این منظره فریاد زد و فرمود: «ای پیامبر خدا! همانا با گریهات، قلب مرا از جا کندی و جگرم را سوزاندی، ای بزرگ پیامبران از حضرت آدم تا آخرین آنها، ای امین پروردگار! ای فرستاده و محبوب خداوند! ای پیامبر خدا! پس از تو چه بر سر فرزندانم خواهد آمد؟ پس از تو چه مصیبت‌ها و ذلت‌ها و خواری‌ها که بر من باریدن خواهد گرفت؟ پس از تو چه بر سر علی (علیه السلام) خواهد آمد؟ او که برادر توست و تنها یاور دین اسلام خواهد بود. پس از تو چه بر سر وحی الهی و دستورات خداوند خواهد آمد؟» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ص ۴۸۴) آن‌گاه خود را در آغوش پدر افکند، پدر را بوسید و با اشک فراوان گونه‌های پدر را نمناک کرد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در این هنگام دست فاطمه (علیها السلام) را در دست علی (علیه السلام) گذاشت و فرمود: «علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست توست. از او محافظت فرما» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ص ۴۸۴؛ مرندی، ۱۳۸۱: ۶۶). حضرت زهرا (علیها السلام)، سعی در تحریک مردم مدینه و آگاهی آنها از حقایق داشتند، زیرا مردم مدینه تابع احساسات خود بودند و تحت تأثیر عوام‌فریبی و تبلیغات قرار گرفته و حاضر بودند که حقیقت را به بهای اندکی بفروشند. از این رو حضرت (علیها السلام) نیز با تحریک عواطف سعی در جلب حمایت آنها داشتند.

۲-۲-۲. سوگ از دست دادن پدر و غربت امام علی (ع)

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) امت اسلامی غرق در ماتم شده بود و حضرت فاطمه (ع) در فراق پدر خویش غمگین و شاهد غربت و انزوای اسلام بودند. از یک سو، قدرت‌طلبی‌ها و زنده شدن دوباره‌ی سنت جاهلی و از سوی دیگر، تهاجم و تجاوز به حریم ولایت را نظاره‌گر بودند و با قلبی مالامال از اندوه و درد لب به فریاد گشودند و خطاب به پدر چنین فرمودند: «پدر جان! دریغ و آه از فراق تو، ای پدر چه بسیار بزرگ است تاریکی و ظلمتی که در مجالس پس از تو مشاهده می‌شود و من دور مانده از تو، دریغ و افسوس می‌خورم که هر چه زود نزد تو آیم. در عزای تو ابوالحسن سوگوار است؛ پدر دو فرزندت حسن و حسین، برادر و امام برگزیده و دوست بی‌مانند تو، کسی که در کودکی او را تربیت کردی و سپس برادرت خواندی. او که از بزرگترین دوستان و محبوب‌ترین یاران در پیشگاه تو بود. او که در پذیرش اسلام از همه پیشی گرفت و یاور دین شد و هجرت کرد. پدر جان! غم سوگواری تو ما را فرا گفته و درهم کوبیده است و گریه‌های مداوم، قصد جان ما را دارد و بدی روزگار، دامن‌گیرمان شده است. ای پدر بزرگوار! ای بهترین انسان‌ها! اکنون بیا و بنگر که او را مانند اسیران به طرف بیعت تحمیلی می‌برند. فریاد ای محمد! فریاد ای دوست! فریاد ای پدر! فریاد ای ابالقاسم! فریاد ای احمد! فریاد از کمی یاران و یاوران! فریاد از ناله‌ی بسیار! فریاد از مشکلات فراوان! فریاد از مصیبت و اندوه زیاد! فریاد از مصیبت جانکاه! پس از آن سخنان درد آلود و غمبار، صیحه‌ای زد و بیهوش بر زمین افتاد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۷۶؛ مرندي، ۱۳۸۱: ۱۴۰؛ محلاتی: ج ۱، ص ۲۴۹). در واقع جملات حضرت زهرا (ع) در غم از دست دادن پیامبر (ﷺ) و غربت و تنهایی حضرت علی (ع) حرکت سیاسی‌ای بود که مردم مدینه را به فکر فرو واداشت و مهم‌ترین هدف ایشان از بیان این جملات نشان دادن تلاش حضرت رسول (ﷺ) و امیرمؤمنان علی (ع) در راستای فراگیر شدن حکومت قرآن در جامعه بوده است، اما غاصبان خلافت کاری با قرآن نداشتند و حتی برخلاف آن عمل می‌کردند.

۲-۲-۳. گریه‌ی سیاسی

پس از وفات پیامبر خدا (ﷺ) و پیش آمدن مشکلات و وارد شدن مصیبت‌ها بر اهل بیت (ع)، عزاداری و گریه‌های حضرت زهرا (ع) تداوم داشت، سران حکومت از این امر احساس خطر کردند و جمعی را خدمت امام علی (ع) فرستادند تا خواستار کنترل گریه‌ها و عزاداری‌های حضرت فاطمه (ع) شوند. امام علی (ع) به آن حضرت اطلاع دادند که گروهی آمده‌اند و می‌گویند: «فاطمه (ع) یا در شب و یا در روز گریه کند». حضرت فاطمه (ع) پاسخ دادند: «ای ابوالحسن، چقدر اندک است، ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک است،

زمان پنهان شدن من از جمعشان! سوگند به خدا! هرگز سکوت نمی‌کنم، نه در شب و نه در روز، گریه‌های مداوم را تعطیل نمی‌کنم تا اینکه به پدرم رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) ملحق شوم». حضرت علی (علیه السلام) پاسخ دادند: «هر طور دوست داری عمل کن!» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۷۹۴). از آن پس روزها دست حسنین (علیهم السلام) را گرفته و بر سر قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌رفت و می‌گریست و می‌فرمود: «عزیزانم این قبر جد شمامست، همو که شما را بر دوش خویش می‌نهاد و بسیار دوستتان می‌داشت». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۷۸) حضرت بر سر قبر شهدا، به یاد سربازان فداکار صدر اسلام اشک می‌ریخت و حضرت علی (علیه السلام) نیز برای آسایش بانو ساییانی در بقیع بنا کرد. بقیع در مسیر کاروان‌های تجاری بود. حضرت در آنجا مأوا می‌گزیدند و کاروان‌هایی که مسیر عبورشان از آنجا بود، ساییان بقیع را مشاهده کرده و ناله‌های حضرت را می‌شنیدند و با کنجکاو‌ی جویای حال حضرت شده و برای دلجویی به نزد ایشان می‌آمدند و حضرت فرصت را مغتنم شمرده و برای آنها ظلم بر وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بیان می‌کردند. ایشان قصد داشتند، در آن زمان که مدینه در محاصره بوده و از خروج صحابه به بهانه‌ی ایجاد فتنه ممانعت می‌شد، این‌گونه فریاد مظلومیت علی (علیه السلام) را به اطراف برسانند تا اگر در مدینه برای حضرت علی (علیه السلام) یآوری نبود، شاید بتوان از بیرون حامیانی گرد آورد (پور سید آقایی، ۱۳۷۵: ۶۵). از این رو می‌توان گریه‌های سیاسی و بیت‌الاحزان حضرت زهرا (علیها السلام) را نوعی اقدام برای رساندن فریاد مظلومیت خود به مردم مدینه و سایر بلاد دانست.

۲-۳. تشجیع

تشجیع یکی دیگر از تکنیک‌های جنگ روانی است که زیر مجموعه‌ی بحث برانگیختگی عواطف محسوب می‌شود. در این تکنیک هدف آن است که شور و اشتیاق و برانگیختگی همراه با تقویت عواطف در مخاطبان ایجاد شود (شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۷)؛ برای مثال حس دفاع از دین، وطن، تقویت حس تنفر از دشمن، ظلم و استثمار را در مخاطبان ایجاد کند. حضرت زهرا (علیها السلام) نیز از این تکنیک برای تحت تأثیر قرار دادن مردم مدینه بهره بردند و در مواضع مختلف با سخنان تشجیع برانگیز خودلزوم حفظ حرمت خانه خود و حریم امامت را متذکر و خواستار ارزشگذاری به جایگاه و نقش اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه‌ی مدینه شدند.

۲-۴. نکوهش و سرزنش

سرزنش به معنای بازخواست کردن لغزش‌ها و اشتباهات افراد و یکی دیگر از تکنیک‌هایی است که حضرت زهرا (علیها السلام) در مقابله با جنگ روانی عصر خود استفاده کردند.

۲-۴-۱. سرزنش مردم بعد از بیعت

پس از جریان بیعت برای خلیفه اول و سکوت و بی‌اعتنایی مردم به واقعه عظیم غدیر و کنار زدن حضرت علی (علیه السلام)، زهرا (علیها السلام) فرمودند: «من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت‌ترین صحنه‌ها را پدید آوردند، جنازه‌ی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را در برابر ما وا گذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانندند» (مفید، ۱۳۶۴: ۶۲۶؛ امینی نجفی، ۱۳۶۶: ج ۵، ص ۳۷۲؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۸، ص ۲۳۲). حضرت زهرا (علیها السلام) از بی‌اعتنایی مردم به شرکت در مراسم تدفین پیامبر (صلی الله علیه و آله) گله‌مند شدند که چگونه عقل، مروت و همراهی‌شان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه داد تا این‌گونه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با همه‌ی احسان و مهربانی که نسبت به مردم داشته، بی‌اهمیت رها کنند و دنبال مقاصد دنیایی خود بروند.

۲-۴-۲. سرزنش مردم از توطئه‌ی سقیفه

حضرت زهرا (علیها السلام) در دیدار با زنان مهاجر و انصار از توطئه‌ی سقیفه و عملکرد مردان مدینه ناخشنود بودند و فرمودند: «صبح کردم درحالی که به خدا سوگند دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما خشمناک و بیزارم. درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش به دور افکندم. از آنچه کرده‌اند، ناخشنودم. چه زشت است کنده‌ی شمشیرها و سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آن همه تلاش و کوشش‌ها! چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن و شکاف برداشتن نیزه‌ها و فساد آراء و اندیشه‌ها و انحراف آرمان‌ها و انگیزه‌ها! برای خویشتن چه بد ذخیره‌هایی تدارک دیدند و پیش فرستادند که خداوند بر آنها خشم می‌گیرد و در عذاب الهی خواهند بود، زیرا بدون تردید مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی در گردنشان همواره سنگینی خواهد کرد. ناچار کار را بدان‌ها واگذار و ننگ و عدالت‌کشی را برایشان باز کردم. نفرین بر این مکاران و دور از رحمت حق باشند ستمکاران!» (طبرسی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۷۵). حضرت زهرا (علیها السلام) از بی‌وفایی، رفاه‌طلبی و دنیاپرستی مردان مدینه بعد از شناخت و امتحان میزان شجاعت و مردانگی‌شان در پای‌بندی به ارزش‌های انسانی انتقاد و اشاره کردند که این مردان همان‌هایی بودند که در صدر اسلام فداکاری و جهاد می‌کردند و اینک به مرحله‌ای رسیده‌اند که به بازی‌های سیاسی گرفتار شده و به جای اینکه پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه خاندان وحی باشند، اهل بیت (علیهم السلام) را در امواج فتنه و ظلم تنها گذاشتند.

۲-۴-۳. سرزنش از سستی مهاجر و انصار

حضرت در مسجد مدینه خطاب به مهاجر و انصار فرمودند: «کنون بیایید و بشنوید! شگفتا! روزگار چه شگفتی‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی پس از دیگری بیرون می‌آورد. اگر تعجب‌نمایی! پس گفته‌های آنها تعجب‌آور است. راستی مردان شما چرا چنین نکردند؟ ای کاش

می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟ و کدام ستون استوار را انتخاب کردند؟ و به کدامین ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندان پیشی گرفتند و غلبه کردند؟ شگفتا! چه دوستان دروغین و سرپرستان ناهلی را انتخاب کردند! چه زشت است سرانجام ستمکاران که جایگزین بدی برگزیدند! سر را گذاشته به دم چسبیدند، پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند! نفرین بر مردمی نادان که تبه‌کارند و تبه‌کاری خود را نیکوکاری می‌پندارند. بدانید که آنها فاسدند و به فساد خویش آگاهی ندارند. وای بر آنان! آیا آنکه مردم را به راه راست می‌خواند، سزاوار پیروی است یا آنکه خود، راه را نمی‌داند؟ در این باره چگونه داوری می‌کنید؟» (طبرسی، همان: ۱۳۹؛ طوسی، همان). حضرت زهرا (علیها السلام) از زنان مدینه پرسیدند که تکیه‌گاهی که شما می‌خواستید چه بود که به خاطرش علی (علیه السلام) را کنار زده و خانه‌نشین کردید و با اهل بیت به تندی رفتار کردید؟ چه ستونی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) معتمدتر است؟ به چه رسیمانی اعتماد داشتید که به آن متوسل شدید؟ آیا نمی‌دانستید که به خاطر همین انتخاب اشتباهتان جامعه از مسیر واقعی‌اش خارج شده و توطئه‌ی سقیفه هم برای نابودی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بوده است؟ آیا شناختی از برتری اهل بیت نداشته‌اید؟ در حقیقت هدفشان از طرح سؤالات، انتقاد از عملکرد نامناسب مردانشان بوده است.

۲-۴-۴. سرزنش پیمان‌شکنان

حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: «ای مردم که به سوی سخن باطل شتابانید و اعمال زشت و زیانکارانه‌ی آنها را نادیده می‌گیرید! آیا در قرآن تدبیر و تأمل نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هاتان مهر و قفل زده شده است که سخن حق را نمی‌شنوید؟ نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شماست که پرده بر دل‌هایتان کشیده و گوش‌ها و چشم‌های شما را گرفته است! و چه بد تأویل و تفسیری از دین و آیین کردید! و چه بد نظریه و رأیی دادید که حق را از اهلش گرفتید و به دست ناهلان دادید و چه بد گناه و ستمی را که کردید گران خواهید یافت و سرانجامش را سخت و دشوار، در آن روز که پرده از کار شما برداشته شود و کیفری که در انتظار شماست، آشکار شود و عذابی را که خدای تعالی برای شما آماده کرده که گمان آن را نداشته‌اید، بر شما نمایان شود و در آن روز است که اهل باطل دچار زیان و خسران می‌شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۲۳۲؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۲۰۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۰۶). حضرت زهرا (علیها السلام) با تکیه بر اصل تدبیر در قرآن، علت بی‌وفایی و سستی مهاجر و انصار را رویگردانی از آموزه‌های قرآنی دانستند و بیان کردند که به دلیل اعمال ناپسندشان نتوانستند حقایق را دریابند و تفسیر و تأویل نادرستی از دین برداشت کردند؛ حال آنکه اگر آنها با خواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه می‌شدند، به حقیقت جامعه‌ای آرمانی در مدینه شکل می‌گرفت.

۲-۵. شکوه و شکایت

شکوه و گلایه واکنش عاطفی و احساسی به مسائلی است که انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضرت زهرا (علیها السلام) نیز از این تکنیک برای تحت تأثیر قرار دادن مردم مدینه استفاده کرده و جملات گلایه‌ای و شکوه‌های دردآلود را بیان کردند.

۲-۵-۱. شکایت از غضب امامت علی (علیه السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) از امت ساکت و بی‌تفاوت در پیش پروردگار خود شکوه‌ها کرده و در حالی که اشک‌هایشان جاری بود، می‌فرمودند: «پروردگارا! به سوی تو شکایت می‌کنم، اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات را و به تو شکایت می‌کنم از ارتداد امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اینکه ما را از حقمان باز داشتند، همان حق ولایت و رهبری ما که در قرآن کریم خود بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل فرمودی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۹؛ خصیبی، ۱۴۱۱: ۴۰۷). در جامعه‌ای اجازه‌ی مخالفت و اعتراض به کسی نمی‌دادند، فاطمه زهرا (علیها السلام) با تمام قدرت از حق مغضوب و پایمال شده‌ی علی (علیه السلام) دفاع کرده و به صراحت انتقاد می‌کنند. آنهایی که خلافت را در جایگاه اصیل خود قرار ندادند، باید بدانند که خلافت اگر در جایگاه واقعی‌اش نباشد حقوق افراد و حرمت‌ها پایمال می‌شود و معنویت و اخلاقی باقی نمی‌ماند و در نهایت فقر و فساد و تباهی جامعه را فرا خواهد گرفت.

۲-۵-۲. شکایت از منافقان

ام سلمه می‌گوید: «خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) رسیدم و پرسیدم: ای دختر پیامبر خدا! شب را چگونه گذراندی؟ حالت چگونه است؟ فرمود: روزگار می‌گذرانم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دست رفته و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن و سنت و سفارش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در تأویل و تفسیر قرآن، حق او را غضب کردند و به دیگران سپردند. این‌گونه بر خورده‌های خصمانه از کینه‌توزی‌های جنگ بدر و خونخواهی کشتگان‌شان در جنگ اُحد است که در درون قلب نفاق‌آمیز و اندیشه‌ی فتنه‌انگیزشان پنهان بوده و تا کنون جرأت اظهار آن را نداشتند، تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه‌ی دست قدرت‌طلبان قرار گرفت و امام به حق منزوی شد، آتش کینه‌های دیرینه‌شان زبانه کشید و باران مصیبت‌ها و مشکلات را بر ما فرو ریختند و رشته‌های ایمان را دریدند و نسبت به وعده‌های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دفاع از پرهیزکاران و مؤمنان چه زشت عمل کردند، ولی افسوس که برای انتقام گرفتن از پدران مشرک و منافق خود، که در جنگ‌های اسلامی علیه اسلام جنگیدند و کشته شدند به دنیا روی آوردند و فریب دنیا را خوردند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۵۶؛ ابن شهر آشوب،

۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۰۵). حضرت زهرا (علیها السلام) معتقد بودند که سکوت قبایل در مقابل پایمال شدن حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) کینه و حسادتی بود که قبایل عرب به خصوص قریش از او و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دل داشتند. در حقیقت آنها همه‌ی کینه و حسادتشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با حضرت علی (علیه السلام) تسویه کردند.

۲-۵-۳. شکایت پس از مصیبت‌ها

پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی شکوه‌ها و غم‌های جانکاه حضرت زهرا (علیها السلام) به یاران خویش خبر داده و فرمودند: «دخترم آن‌چنان در امواج بلاها و مصیبت‌ها، غمناک و نگران می‌شود که دست به دعا برداشته و می‌گوید: پروردگارا از زندگی خسته و روی گردان شده‌ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبت‌های ناگوار دیدم، خدایا! مرا به پدرم پیامبر (صلی الله علیه و آله) متصل گردان و مرگ مرا زود برسان» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۳۰: ۹۲).

حضرت زهرا (علیها السلام) با مجموعه سخنان گلایه‌آمیز خود، احساسات مردم مدینه را تحریک و آنها را به کشف حقیقت ترغیب می‌کردند.

۲-۶. عملیات افشاگرانه

یکی دیگر از تکنیک‌های ضد جنگ روانی حضرت زهرا (علیها السلام) افشاگری است. افشاگری به معنای تکذیب نکته به نکته‌ی اتهامات مطرح شده‌ی دشمنان در تبلیغاتشان است. این شیوه زمانی استفاده می‌شود که امکان اثبات خلاف پیام دشمن به طور کامل وجود داشته باشد. پیامی که تبلیغات دشمن را تکذیب می‌کند باید به سرعت در میان مخاطبان انتشار یابد تا با اطلاع‌رسانی‌های سریع و به موقع امکان تأثیرگذاری پایدار تبلیغات از بین برود (جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۳۰).

۲-۶-۱. افشای علل غصب خلافت امام علی (علیه السلام)

از حضرت زهرا (علیها السلام) پرسیدند: چرا مردم علیه شما و علی (علیه السلام) هجوم آوردند و حق مسلم شما را غصب کردند؟ حضرت پاسخ دادند: «این همه کینه‌توزی‌ها از جنگ بدر و انتقام‌جویی‌ها از جنگ احد است که در دل‌های منافقان پنهان بود، ولی روزی که حکومت را غصب کردند، تمام آن کینه‌ها و حسادت‌ها را بر ما فرو ریختند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۰۵).

۲-۶-۲. افشای علل انحراف مردم پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه علل انحراف مردم پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را این‌گونه افشا کردند: «و آن‌گاه که خدا، برای پیامبرش (صلی الله علیه و آله) خانه‌ی پیامبران و آرامگاه اولیاء را برگزید، خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد و جامعه‌ی دین کهنه گردید، آدم‌های پست و بی‌ارزش با قدر و منزلت شدند و شتر نازپرورده‌ی اهل باطل به صدا درآمد و وارد خانه‌های شما شد و شیطان سر

خویش را از مخفی‌گاه به درآورد، شما را فرا خواند، دید که پاسخ‌گوی دعوت باطل او هستید و برای فریب خوردن آمادگی دارید، خواست که علیه حق برخیزید، شما را آماده‌ی این کار یافت و شما را گرم و آماده کرد و دید که غضبناک شدید، پس بر غیر شتر خود، داغ و نشان زدید و بر آبی که حق شما نبود فرود آمدید. درحالی‌که هنوز از عهد و قرار شما و بیعت در غدیر خم بیش از دو ماه نگذشته بود و شکاف زخم عمیق بود و سر زخم هنوز بسته نشده و بهبود نیافته بود و پیامبر (ﷺ) هنوز دفن نشده بود که هر کاری خواستید کردید و بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیم، ولی در آتش فتنه سقوط کردید و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد. شما کجا و فتنه خواباندن کجا؟ دروغ می‌گویید! به چه حقی دروغ می‌گویید و به کجا روی می‌آورید؟ درحالی‌که کتاب خدا در میان شماست، مطالب و دستوراتش روشن و احکام آن درخشان و نشانه‌های هدایت آن آشکار و نهی و هشدارهای آن روشن و اوامرش واضح است، ولی شما به قرآن پشت کردید و از آن روی گردان شدید، آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟ یا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ بد جایگزینی برای ستمگران است! و هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند، از او پذیرفته نیست و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود. سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل‌رمیده آرام گیرد و مهار کردن آن آسان شود. پس آتش‌گیره‌ها را برافروختید و به آتش فتنه‌ها دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید و به شیطان گمراه‌کننده، پاسخ مثبت دادید و برای خاموش کردن نور تابناک اسلام، بسیج شده و به یک‌باره همه چیز را تصاحب کردید و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید و ما در برابر مصیبت‌هایی که جوانان خنجر بران یا فرو رفتن نیزه در شکم است، چاره‌ای جز صبر نداریم» (طبرسی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۲۲۵). طبق این فرمایش حضرت، تن‌پروری و آسوده‌طلبی یکی از موانعی بود که توده‌ی مردم حاضر به پذیرش حکومت حضرت علی (ع) نشدند، زیرا می‌دیدند که با ولایت امام علی (ع) باید سختی‌های زیادی را متحمل شوند. اگر مردم مدینه پس از رحلت پیامبر (ﷺ) تابع منافع و راحت‌طلبی‌های خود نبودند، ارزش‌ها و آرمان‌های پیامبر (ﷺ) در جامعه‌ی مدینه عملی می‌شد و خلافت در جایگاه اصیل خود قرار می‌گرفت.

۲-۶-۳. افشای علل سستی مردم

حضرت زهرا (ع) در فرازی از گله‌مندی‌ها و افشاگری‌ها علیه امت پدر می‌فرمایند: «به تن‌آسایی خو کرده‌اید و امام واقعی خود را از زمامداری دور کرده و با رفاه و آسایش خلوت کرده‌اید و از سختی زندگی به راحتی و خوش‌گذرانی رسیده‌اید. به همین سبب آنچه را که حفظ کرده بودید، از دست دادید و آنچه را که فرو بردید، استفرغ کردید. پس بدانید! اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای تعالی بی‌نیاز از همگان و ستوده است. بدانید! آنچه را که من گفتم

از روی آگاهی کامل بود، از سُستی شما و هماهنگ شدن قلب‌هایتان با بی‌وفایی و خیانت شما آگاهم. چه کنم؟ اینها جوشش دل اندوهگین است و راه بیرون ریختن خشم و غضب و آنچه را که جانم نمی‌تواند تحمل کند از سینه بیرون ریختم و حجت و برهان را از این راه در پیش روی شما قرار دادم. پس زمام خلافت را بگیرید، ولی بدانید پشت این شتر خلافت زخم است و پای آن تاول زده، عار و ننگ آن باقی است و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی و جاویدان دارد و هر کس که آن را بگیرد، فردا به آتش برافروخته‌ی خدا که بر قلب‌ها احاطه دارد، وارد می‌شود. آنچه انجام می‌دهید، برابر چشم خداست و به زودی آنها که ستم کردند، خواهند دانست که به کدام جایگاه آتشین باز می‌گردند. مردم! من دختر آن کس هستم که شما را از عذاب جهنم که در پیش روی ماست، خبر داد. پس هر چه می‌توانید انجام دهید، ما هم به دنبال کار خود می‌رویم، شما منتظر بمانید، که ما هم منتظر خواهیم ماند» (طبرسی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۲۲۵). عادت کردن به خوی خوش‌گذرانی، دست کشیدن از هدف‌های متعالی، بی‌تفاوتی در برابر ظلم و ستم و ... مواردی است که در آن دوران به عنوان علل سستی مردم شناسایی شد.

۲-۴. افشای علل مظلومیت حضرت علی (علیه السلام)

حضرت ضمن خطاب به زنان مدینه علل مظلومیت همسرش را این‌گونه افشا کردند: «وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد به خانه‌ی دیگر بردند و حق را از دست علی که عالم به امور دین و دنیاست گرفتند. بدانید که این زبانی بزرگ و آشکار است. چه باعث شد که با علی (علیه السلام) کینه‌توزی کنند و انتقام گیرند؟ چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی‌اعتنا بود، دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد و آنها را عقوبت می‌کند و خشم علی (علیه السلام) در راه رضای خداست (طبرسی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۷۵). حضرت زهرا (علیها السلام) جایگاه حضرت علی (علیه السلام) را این‌گونه معرفی می‌کنند که ایشان بدون واسطه تعالیم و دستورات را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریافت می‌کردند و نزدیک‌ترین فرد به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند و در خانه‌شان وحی نازل می‌شد. از این رو انتقاد کردند که چرا خلافت را از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد، به خانه‌ی دیگری بردند. ایشان تأکید کردند که حضرت علی (علیه السلام) در تدبیر کارهای مردم، تنظیم امور سیاسی و اجتماعی، بیان احکام دین و حفظ آنها از تحریف و بدعت و در هدایت مردم حاذق‌ترین بودند و زبان آشکاری بود که خلافت را ظالمانه غصب کردند و افرادی در جایگاه رهبری جامعه قرار دادند که وجودشان سنخیتی با اسلام حقیقی نداشت.

۲-۶-۵. افشا و محکومیت خلفا

ابوبکر و عمر پس از تقویت بنیان‌های حکومت خویش و سرکوبی مخالفان، برای جلب افکار عمومی و تألیف قلوب به فکر دلجویی از حضرت زهرا (علیها السلام) و جبران اشتباهات گذشته افتادند و با تلاش فراوان همراه با امام علی (علیه السلام) به خدمت آن یگانه دخت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند، سلام و عذرخواهی کردند و خطاب به حضرت زهرا (علیها السلام) با عنوان دختر پیامبر رحمت بودن از ایشان خواستار عفو و بخشش شدند. حضرت، آن دو را به سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) توجه دادند و فرمودند: «شما را به خدا سوگند می‌دهم! آیا شنیده‌اید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمه پاره‌ی تن من است و من از اویم، هر که او را بیازارد، مرا آزرده است. خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من، هر کس فاطمه را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است؟!» ابوبکر و عمر پاسخ دادند: «آری! این کلمات را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدیم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۸، ص ۳۵۷؛ دینوری، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۲۱۴؛ امینی نجفی، ۱۳۶۶: ج ۷، ص ۲۲۹؛ بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۸۸۸). در حقیقت هدف حضرت زهرا (علیها السلام) از یادآوری سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مسئله بوده که واقعیت‌ها را به همه‌ی انسان‌ها در طول تاریخ بشناساند و به آنها نیز بفهماند که هر گذشته‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت و در برابر منحرف کردن امت اسلامی نمی‌توان بی‌تفاوت ماند.

۲-۶-۶. افشای عوامل مصیبت در نزد دختر طلحه

پس از وفات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) دختر طلحه به خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید، از گریه‌ها و ناله‌های دردناک حضرت نگران شد و با شگفتی پرسید: فاطمه جان! چه چیزی شما را این‌گونه به گریه و زاری واداشته است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «ای دختر طلحه! آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده، گویا پیک‌های چابک سوار به سرعت آن را به همه‌ی جهانیان ابلاغ کرده‌اند که گرد و غبار آن تا آسمان بالا رفت و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفت، می‌دانی مصیبت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند؟ پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی (علیه السلام) پیشی بگیرند. چون موفق نشدند، بغض و کینه‌ی علی (علیه السلام) را در دل گرفتند، ولی پنهان داشتند. آنگاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، آن بغض‌ها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار شدند و ستم‌ها روا داشتند و «فدک» را غصب کردند. با شگفتی به «فدک» بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین «فدک» شدند و هم اکنون اثری از آنها وجود ندارد! فدک، هدیه‌ی الهی بود که به پیامبرش بخشید و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) آن را برای تأمین زندگی فرزندانم به من سپرد. واگذاری فدک «به من و فرزندانم» با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و گواهی جبرئیل امین انجام شد. پس اگر آن را با ستم غصب

و وسیله‌ی زندگی فرزندانم را قطع کردند، با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می‌کنم و زود است که خورندگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ نظاره‌گر و در آن غوطه‌ور باشند» (بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۸۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۱۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۰۴). بدیهی است که اگر حضرت زهرا (علیها السلام) فدک را مطالبه کردند، به دلیل تعلق خاطر به دنیا و مطامع آن نمی‌باشد، بلکه هدف ایشان ایستادگی در برابر ظلم و ظالمان است. در واقع حضرت (علیها السلام) قصد داشتند تا با طرح موضوع فدک و میراث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جایگاه الهی و قرآنی خود را به اثبات برسانند و خلافت غصب شده را طلب کنند. به بیان دیگر هدف اصلی ایشان دفاع از ولایت بود.

۲-۷. سکوت

یکی دیگر از تکنیک‌های عملیات ضد جنگ روانی سکوت است که تحت عنوان مبارزه‌ی منفی قلمداد می‌شود. سکوت و بی‌اعتنایی ظاهری در زمره‌ی یکی از بهترین شیوه‌های ضد جنگ روانی است. در این شیوه نخست باید میزان تأثیر سکوت بر مخاطبان تحلیل شود که بسیاری از اوقات سخنان و رفتار دشمنان را بی‌ارزش و بی‌اعتبار می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۷: ۵۷؛ جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۲۹). در سیره‌ی سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) نیز این تکنیک مشاهده می‌شود، اما منظور از سکوت حضرت در پاره‌ای از موارد، ترک قیام و تلاش نکردن برای مقابله با دشمنان نیست، بلکه بی‌اعتنایی ظاهری است که هدف و مقصود مهمی را پوشش می‌دهد.

یکی دیگر از مبارزه‌های منفی حضرت زهرا (علیها السلام) وصیت نامه سیاسی ایشان بود. اینکه چرا قبر حضرت زهرا (علیها السلام) پنهان است؟ چرا مراسم کفن و دفن آن یگانه دخت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخفی و پنهان برگزار شده است؟ چرا مراسم تشییع و نماز بر پیکر ایشان بدون اطلاع مردم مدینه برگزار شد؟ جواب این سؤال‌ها و علل و عوامل وصیت‌نامه را باید در متن وصیت‌نامه به دقت ارزیابی کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) در کاغذی وصیت‌نامه‌ای نوشتند: «امتی که عهد و پیمان خدا و پیامبرش را در ولایت و رهبری علی (علیه السلام) شکستند، حق ندارند بر پیکر من نماز بگذارند. آنها که نسبت به حق ما ستم روا داشتند و ارث مرا غاصبانه تصرف کردند و سند مالکیت فدک را که پدرم برایم نوشته بود، از دستم ربودند و پاره کردند، آنها که گواهان و شاهدان مرا تکذیب کردند. سوگند به خدا که گواهان من، حضرت جبرئیل و میکائیل و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ام ایمن بودند. آنها که در روز یاری و حمایت از ما در خانه‌های خود خزیدند و دست از یاری ما کشیدند. علی (علیه السلام) مرا همراه با حسن و حسین شب و روز برای بیداری امت غفلت زده، به خانه‌های مهاجر و انصار می‌برد و من آنها را نسبت به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حقوق الهی هشدار می‌دادم و می‌گفتم: به ما اهل بیت ستم روا مدارید و حق مسلمی را که خدا به ما بخشیده است، غصب نکنید. در تاریکی شب پاسخ مساعد می‌دادند که شما را یاری می‌کنیم، ولی در روز روشن دست از یاری

ما بر می‌داشتند! تا آنکه به خانه‌ی ما هجوم آوردند و با جمع‌آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن، خواستند خانه و ما را که در آن بودیم، در آتش بسوزانند. خدا و رسولش و من از آنان بیزاریم. آیا چنین امتی سزاوار است که بر من نماز بگزارد؟!» (خصیبی، ۱۳۸۳: ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۰، ص ۳۴۸؛ مرندی، ۱۳۸۱: ۱۴۶؛ صدوق، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۸۹؛ بروجردی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۲۰۲؛ بخاری، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۸۲). در حدیث دیگری نیز نقل شده که به امام علی (علیه السلام) وصیت کردند: «وقتی وفات کردم، به هیچ کس اطلاع نده، مگر ام سلمه و ام ایمن و فضا و از مردان دو فرزندم حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام)، عباس، سلمان، عمار، مقداد، ابازر و حذیفه را خبر کن. مرا دفن نکن، مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده تا مخفی بماند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸، ص ۷۸، ۳۱۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۸۶؛ بروجردی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۲۰۲). همگی این احادیث حاکی از مبارزه‌ی منفی حضرت و اوج خفقان و فضای بسته‌ی سیاسی است که حضرت به ناچار از این روش استفاده کردند، به خصوص وصیت‌نامه‌ی ایشان شدیدترین نوع سکوت حضرت بوده است.

۲-۸. ترسیم آینده‌ی ترسناک جامعه‌ی اسلامی

یکی دیگر از شیوه‌های ضد جنگ در عملیات روانی، استفاده از تهدید و ایجاد وحشت میان نیروهای دشمن است. این اقدام به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده و عزم آنهاست. در واقع، در این روش آینده‌ی ترسناک و مبهم همراه با مشکلات و سختی‌ها ترسیم می‌شود و ضمن ایجاد رعب، خطرات و صدمات اقداماتشان به ایشان گوشزد می‌شود و در نهایت مخاطبان را به تسلیم در برابر خواسته‌ها می‌کشانند (شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۷). حضرت زهرا (علیها السلام) در آن لحظه که علی (علیه السلام) را به سوی مسجد می‌کشیدند و هیچ کس در آن غربت و تنهایی از ایشان دفاع نمی‌کرد، خود را به امام رساندند و خطاب به عمر فرمودند: «ای پسر خطاب! سوگند به خدا اگر کراهت نداشتی که بی‌گناهان مدینه گرفتار بالای الهی شوند، نفرین می‌کردم و آنگاه می‌فهمیدی که نفرین من خیلی زود تحقق می‌پذیرد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۸، ص ۲۵۰) و در سخنان خود در جمع زنان مهاجر و انصار نیز آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی را این‌گونه ترسیم کردند: «اما به جان خودم سوگند، نطفه‌ی فساد بسته شد. باید انتظار کشید تا چه زمانی مرض فساد، پیکر جامعه‌ی اسلامی را از پای درآورد؟ پس، از این پستان شتر به جای شیر، خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک‌کننده است. اینجاست که روندگان راه باطل زیان‌کننده‌اند و مسلمانان آینده خواهند دانست که سرانجام اعمال مسلمانان صدر اسلام چه بوده است؟ از این پس، قلب‌های خود را از بروز آشوب‌ها مطمئن کنید. بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده، حمله‌ها و تهاجمات پی‌درپی، به هم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد و دیکتاتوری ستمگران آنها که غنائم و حقوق شما را اندک پرداخت می‌کنند و جمع شما را با شمشیرهای

خود درو می‌کنند؛ پس حسرت و اندوه بر شما! کارتان به کجا خواهد انجامید؟ دریغا که دیده‌ی حقیقت‌بین ندارید! بر ما هم تاوانی نیست و نمی‌توانیم شما را به کاری که کراهت دارید! الزام کنیم» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۱۰۸) حضرت (علیها السلام) با این سخن قصد داشتند بیان کنند که با غضب خلافت، جامعه‌ی اسلامی با فتنه‌های بسیار و جبران‌ناپذیری روبه‌رو است و فساد در جامعه گسترش خواهد یافت. آن حضرت با آینده‌نگری حساب شده‌ای که از آگاهی ایشان از جامعه‌شناسی و تحولات جامعه‌ها و تمدن‌ها نشئت گرفته بود، جامعه‌ی مدینه را در مسیر انحطاط ترسیم کردند که مردم مدینه با انتخاب رهبری ناشایست آن را به مذلت، خشونت و سرکوبی عدالت رهنمون کرده‌اند. حضرت دوباره هشدار می‌دهند که در آینده کسانی خواهند آمد که با شمشیرشان خون بی‌گناهان را خواهند ریخت. قتل‌عام‌ها و ظلم‌ها فراگیر می‌شود و بیت‌المال به ناحق مصرف می‌شود. سرانجام آن حضرت سخنان خود را با لحنی دلسوزانه این‌گونه پایان دادند که ای دریغ بر شما که همه‌ی خیر و برکت و هدایت و نیک‌بختی و آزادی را از دست دادید و از این پس حسرت و ندامت پایان‌ناپذیری گریبان‌گیرتان خواهد بود. از این رو می‌توان بیان داشت که حضرت زهرا با آینده‌نگری خویش نسبت به جامعه‌ی اسلامی ضمن تهدید و ایجاد وحشت در میان مردم مدینه قصد داشتند تا مردم مدینه را از عواقب انتخاب نادرست خود آگاه کنند و اراده‌ی آنها را در ادامه‌ی حمایت غاصبان تضعیف کرده و آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی را ترسناک و مبهم همراه با مشکلات و سختی‌ها جلوه دهند.

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح شده در مقاله، حضرت زهرا (علیها السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حجمه‌های روانی بسیاری در جامعه‌ی مدینه مواجه شدند، به گونه‌ای که افراد مسلط بر جامعه، الگوهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جامعه‌ی اسلامی تعیین کرده بودند را تغییر داده و روزبه‌روز، قدرت‌خواهی و فتنه‌انگیزی را گسترش داده و با تخریب جایگاه ارزشمند حضرت علی (علیه السلام) و ایجاد شایعه و تسلط بر اذهان مردم جامعه را ناامن کردند و البته غفلت و سهل‌انگاری مهاجر و انصار در شناخت حاکمیت حضرت علی (علیه السلام) و تابع احساسات بودن آنها مسبب این تبعات منفی و عوام‌فریبی شد و حضرت زهرا (علیها السلام) در مقابله با دشمنان خویش مبتکر بهترین تکنیک‌های استراتژی جنگ روانی مانند روشنگری، افشاگری، تحریک عواطف و تشجیع شدند و برای آگاه ساختن مردم و هشدار آنها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

منابع

- ◀ ابن شهر آشوب، محمد بن علی ۱۳۷۹ق. مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
- ◀ ابن ابی الحدید، عبدالوحدید بن هبه الله ۱۴۰۴ق. شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ◀ ابن قتیبه الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم ۱۴۱۳ق. الامامه و السیاسه (تاریخ الخلفاء)، تحقیق علی شیری، قم، مکتبه الشریف الرضی.
- ◀ احمدی میانجی، علی ۱۴۲۲ق. مواقف الشیعه، قم، النشر الاسلامی.
- ◀ امینی نجفی، عبدالحسین احمد ۱۳۶۶ش. العمدیر فی الكتاب و السنه و الادب، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله ۱۳۸۲ش. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، تحقیق و تصحیح محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، امام المهدی.
- ◀ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل ۱۴۱۰ق. صحیح بخاری، تحقیق مصطفی دیب البغاء، دار ابن کثیر.
- ◀ بروجردی، سید حسین ۱۳۸۳ش. جامع الاحادیث الشیعه فی الاحکام الشریعه، قم، المطبعه العلمیه.
- ◀ پور سید آقائی، مسعود ۱۳۷۵ش. چشمه در بستر: تحلیلی از زمان شناسی حضرت زهرا، قم، حضور.
- ◀ تستری، محمد تقی بن کاظم ۱۴۱۰ق. قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعه و محدثیهم، قم، النشر الاسلامی.
- ◀ جنیدی، رضا ۱۳۸۹ش. تکنیک های عملیات روانی و شیوه های مقابله، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ◀ جوهری بصری بغدادی، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز ۱۴۰۱ق. السقیفه و الفلک، تحقیق محمد هادی امینی، شرکه الکتبی للطباعه و النشر.
- ◀ حسینی عاملی، محسن بن عبدالکریم، (۱۴۱۸ه ق)، اعیان الشیعه، انتشارات دارالتعارف، بیروت، الطبعه الخمسه.
- ◀ خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۱ه ق)، الهدایه الکبری، انتشارات موسسه البلاغ، بیروت.
- ◀ شوشتری، نورالله بن شریف الدین، (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- ◀ شیرازی، محمد ۱۳۶۷ش. جنگ روانی و تبلیغات، تهران، سپاه پاسداران.
- ◀ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (ابن بابویه) ۱۴۳۰ق. امالی، بیروت موسسه الاعلمی المطبوعات.
- ◀ _____ ۱۳۷۷ش. نحصال ترجمه ی محمد باقر کمره ای، تهران کتابچی.
- ◀ _____ ۱۳۷۲ه ش. معانی الاخبار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ اول.
- ◀ طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب ۱۴۱۳ق. الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و محمد هادی، طهران، دارالاسوه.
- ◀ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن ۱۴۱۴ق. امالی، قم، دارالتقافه.

- ◀ قمی رازی، ابوالقاسم علی بن محمد ۱۴۰۱ق. کفایه الاثر فی النص علی الائمه اثنی عشر، قم، بیدار.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق ۱۴۰۷. کافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی ۱۴۰۳ق. بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ محلاتی، ذبیح الله (بی تا). ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ مرندی، ابوالحسن ۱۳۸۱ش. مجمع النورین و ملتقی البحرین فی احوال بضعه سید الثقلین، قم، آل عبا.
- ◀ مفید، محمد بن نعمان ۱۳۶۴ق. امالی، ترجمه‌ی استاد ولی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ◀ مقریزی، احمد بن علی ۱۳۷۰ق. النزاع و التخاصم، نجف، المطبعه العلمیه.
- ◀ نوری، حسین بن محمد تقی ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل بیت (علیهم السلام).
- ◀ هاشمی خوئی، حبیب الله محمد ۱۴۰۰ق. منهاج البراعه فی شرح النهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه، تهران.